

اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه

محسن فرمینی فراهانی*

فاطمه اشرفی**

چکیده

یکی از شاخه‌های دانش اخلاق که به‌تازگی در ایران جایگاهی پیدا کرده، حوزه اخلاق حرفه‌ای است که لازم است از لحاظ معرفتی بیشتر به آن توجه شود. یکی از منابع غنی در اخلاق حرفه‌ای، آموزه‌های دین مبین اسلام است. اما شناخت و ترویج اخلاق حرفه‌ای بر مبنای اسلام، بدون تحلیل آموزه‌های اخلاقی نهج‌البلاغه امکان‌پذیر نیست. با توجه به این مهم، در پژوهش حاضر برآنیم تا با استفاده از روش تحلیل اسنادی، اصول اخلاق حرفه‌ای را در کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه بررسی کنیم. نتایج نشان می‌دهد که امام علی (ع) همواره به بحث اخلاقیات و اصول اخلاقی توجه داشته‌اند و در موارد فراوانی، کارگزاران و یاران خود، به‌طور اخص و تمامی انسان‌ها را در طول زمان به رعایت آنها فرمان داده‌اند. اصول اخلاقی مطرح در نهج‌البلاغه، مشتمل بر: اصل احترام، اصل آزادی، اصل انصاف، اصل وفای به عهد، اصل امانت، اصل صداقت، اصل مسئولیت‌پذیری، اصل نقدی و انتقادپذیری، اصل مدارا و سعه صدر، اصل قانون‌مداری، اصل اعتدال و اصل رازداری است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، اخلاق حرفه‌ای، اصول اخلاق حرفه‌ای، نهج‌البلاغه.

۱. مقدمه

مقایسه وضعیت اخلاق حرفه‌ای در جهان صنعتی در دو حوزه معرفتی و اجتماعی، منزلت

* دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد farmahinifar@yahoo.com

** کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش (نویسنده مسئول) f.ashrafi89@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۸

اخلاق حرفه‌ای در ایران باستان و جایگاه راهبردی اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌های اسلامی و منزلت اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلامی با وضعیت موجود، بیانگر این واقعیت تلخ است که بر سر گنج از گدایی مرده‌ایم. عدم رشد اخلاق حرفه‌ای در مشاغل و سازمان‌ها و توسعه نیافتگی آن به‌عنوان یک دانش، عوامل فراوانی دارد که یکی از آن‌ها کم‌کاری در حوزه اخلاق پژوهی به‌طور عام و اخلاق حرفه‌ای به‌طور خاص است. شناخت میراث غنی ما در اخلاق حرفه‌ای می‌تواند ما را به توسعه این دانش ترغیب کند و راه آن را نشان دهد. (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۶ الف: ۸-۶)

آموزه‌های اخلاقی اسلام یکی از منابع غنی در شناخت اخلاق حرفه‌ای است. با توجه به فقر حاضر در عرصه اخلاق حرفه‌ای در کشورمان، در این پژوهش درصددیم اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اخلاق در دین مبین اسلام بررسی کنیم. به این ترتیب، ابتدا مفهوم اخلاق، اخلاق حرفه‌ای و سپس اصول آن را در نهج‌البلاغه بررسی می‌کنیم.

«اخلاق» در لغت، به‌معنای عادت، رویه، سنجیه و ... است. در اصطلاح، به آن دسته از صفات مثبت اطلاق می‌شود که با هنجارهای جامعه همخوانی دارند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۸۷). اخلاق را گاهی وصف حالت یا رفتار می‌دانیم و گاهی مرادمان از آن، دانش نظام‌مند است (تولایی، ۱۳۸۸: ۴۶). به عقیده قراملکی، اخلاق، رفتار ارتباطی پایدار مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط است. براساس این تعریف، اخلاق به نسبت بین دو امر اطلاق می‌شود: کسی که رفتاری انجام می‌دهد و کسی یا چیزی که به‌نحوی هدف آن رفتار قرار می‌گیرد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸ الف: ۶۰-۶۱). دامنه اخلاق را در حد رفتارهای فردی تلقی می‌کنند، اما رفتارهای فردی وقتی که در سطح جامعه یا نهادهای اجتماعی تسری پیدا می‌کند و شیوع می‌یابد، به‌نوعی به اخلاق جمعی تبدیل می‌شود که در فرهنگ جامعه ریشه می‌دواند و خود نوعی وجه غالب می‌یابد که جامعه را با آن می‌توان شناخت (تولایی، ۱۳۸۸: ۴۶).

اخلاق نشان‌دهنده شخصیت فرد است؛ اما اخلاق حرفه‌ای است که مناسبات و روابط و پیوندهای اجتماعی افراد را به‌طور مطلوب، شکل و گسترش می‌دهد.

قبل از بررسی اخلاق حرفه‌ای، ابتدا باید تعریفی از حرفه ارائه شود. کلمه «حرفه» از لحاظ فنی، سازمانی و روان‌شناختی، در اواخر قرون وسطا شکل گرفت؛ اگرچه ریشه‌های آن به روزگار باستان برمی‌گردد. در طول آن زمان در اروپا، با رشد تقسیمات اجتماعی کار،

زندگی خصوصی از زندگی عمومی جدا شد و انواع متفاوت حرفه‌گرایی شکل گرفت (انجمن کتابداری قم، ۱۳۸۶: ۲۳). واژه «حرفه» کاربردهای فراوانی دارد. عام‌ترین کاربرد حرفه، به معنای پیشه، شغل و کار است. مفهوم اصطلاحی حرفه، از دیرباز کاربرد متفاوتی با کار و حتی شغل داشته است؛ اما اشتغال، یکی از مؤلفه‌های حرفه است. از مؤلفه‌های دیگر آن، کسب روزی از طریق اشتغال، اختیار در کار و اشتغال، خدمت‌محوری، مشرثمر بودن، مفید بودن یا مطلوبیت اجتماعی حرفه، داشتن دانش، مهارت و توانایی، استقلال و میزان قابل توجهی از اقتدار است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۶ الف: ۲۳).

الوانی معتقد است که تعریف واحدی برای حرفه وجود ندارد؛ اما ایشان به نقل از پاگ، حرفه را واجد چند ویژگی می‌داند: حرفه یک چارچوب ذهنی دارد؛ مجموعه‌ای از دانش و تئوری را دربر می‌گیرد؛ دارای شأن و مرتبت اجتماعی است؛ سازمان یا سازمان‌هایی آن را ترویج می‌کنند؛ گروهی از دیدگاه عملی و نظری به آن مشغول‌اند؛ در میان رشته‌های دانشگاهی جایگاهی دارد و دارای معیارهای اخلاقی و ارزشی خاص خود است. (الوانی، ۱۳۷۷: ۵۸)

اخلاق حرفه‌ای، بخشی از اخلاق است؛ زیرا تعهدات حرفه‌ای در نهایت تعهداتی اخلاقی هستند، اما جدا از اخلاق، به صورت متداول، تعهدات حرفه‌ای، پیش‌فرض‌های خاص مربوط به عمل است (دیویس (Davis, Michael)، ۱۹۹۹: ۲۶). با توجه به تعریف اخلاق و حرفه، اخلاق حرفه‌ای، حوزه‌ای تخصصی در دانش اخلاق است که مسئولیت‌های اخلاقی بنگاه‌ها و مشاغل و نیز تحلیل مسائل اخلاقی در کسب و کار را بیان می‌کند و در حل معضلات اخلاقی در کسب و کار نقش عملیاتی دارد. (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۳۷)

رعایت اخلاقیات و پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی به یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی تبدیل شده است که سازمان‌ها به آن توجه دارند. امروزه اصول اخلاقی به صورت بخشی از سیاست‌های رسمی و فرهنگ غیررسمی سازمان‌ها درآمده است. بسیاری از سازمان‌ها به صورت رسمی اصول اخلاقی را تعریف کرده‌اند و برای اجرایی‌شدن آن‌ها نظام‌های آموزشی ایجاد شده است. این اصول اخلاقی نام «منشور اخلاقی» به خود گرفته است. (صالح‌نیا، ۱۳۸۸: ۶۶)

اصول اخلاقی یا اخلاقیات را می‌توان در مقام مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های معنوی تعریف کرد. هریک از ما چنین مجموعه ارزش‌هایی را در خویشتن خویش داریم؛ با وجود این، ممکن است به وجود آن‌ها واقف یا جاهل باشیم. فیلسوفان، سازمان‌های مذهبی و

دیگر گروه‌ها در مجموعه‌های آرمانی خود، به راه‌های گوناگون، اصول یا ارزش‌های اخلاقی را تعریف کرده‌اند. در سطح کاربردی نیز مجموعه‌هایی از اصول یا ارزش‌های اخلاقی تجویز شده است؛ برای مثال، در بیانیه انجمن ترویج اخلاقیات جوزفسون، اصولی چون صداقت، وفای به عهد، وفاداری، انصاف، غمخواری دیگران، احترام و تکریم دیگران، شهروند مسئول، برتری خواهی و پاسخگویی مطرح شده است (جوزفسون، ۱۳۷۹: ۱۸). معیارهای جهانی کسب و کار در حوزه اخلاق کاری و حرفه‌ای نشان‌دهنده هشت دسته اصول اخلاقی است. این اصول شامل اصل امانت، اصل مالکیت، اصل منزلت، اصل اعتبار و اعتماد، اصل شفافیت، اصل انصاف، اصل شهروندی و اصل حساسیت متقابل است (خنیفر و زروندی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

یکی از ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای، بومی بودن آن است. مسائل عینی و حرفه‌ای اخلاق به فرهنگ وابسته است. این مسائل در زمینه‌های معین فرهنگی و اجتماعی به وجود می‌آیند و شکل می‌یابند و از این رو در حل و رفع آن‌ها، توجه به زمینه‌های مذکور اهمیت به‌سزایی دارد. هنجارهای قومی و ملی، زمینه‌های اعتقادی مسائل خاصی را برمی‌انگیزند و راه‌های معینی را می‌طلبند. بنابراین، اخلاق حرفه‌ای اگرچه یک دانش است، این دانش فارغ از زمینه‌های فرهنگی نیست و از داشتن اخلاق حرفه‌ای بومی گریزی وجود ندارد. (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۰۵)

کمیسیون مک براید توصیه اکید دارد که نظامنامه اصول اخلاقی، در سطح ملی و در برخی موارد در سطح منطقه‌ای، امری مطلوب است؛ مشروط بر آن‌که این قوانین از سوی خود حرفه، تهیه و تصویب شود؛ چراکه اصولاً اخلاق، متأثر از عقاید، باورها و ارزش‌های حاکم بر جوامع است. لاجرم اخلاق حرفه‌ای در هر فرهنگ، ویژگی‌ها و مختصات خاص خود را دارد. برای مثال، حریم خصوصی افراد در یک جامعه شرقی با جامعه غربی تفاوت‌هایی دارد (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۱). از آن‌جا که کشور ایران یک جامعه اسلامی است و شناخت اصول اخلاق حرفه‌ای در آن اهمیت به‌سزایی دارد، توجه به اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه، به‌عنوان دومین کتاب مهم شیعه که یکی از امتیازات آن، جامعیت و کلیت آن است و همواره به اخلاق و اخلاقیات توجه داشته است، خالی از لطف نیست.

در هر پژوهشی، برای رسیدن به اهداف آن، لازم است گذری بر پژوهش‌هایی که قبلاً انجام شده است، داشته باشیم تا از تجربیات علمی آن‌ها نیز استفاده کنیم؛ از این رو در این قسمت، چند پژوهش مرتبط با موضوع معرفی می‌شود.

ماهینی (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان «مبانی و الگوهای اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه» می‌نویسد:

تأثیر نهج‌البلاغه در تکوین و تکامل تمدن و فرهنگ اسلامی و همچنین اهمیت آن در ترویج اخلاق حرفه‌ای بر مبنای اسلام، بررسی مبانی اخلاق حرفه‌ای و الگوی رفتار ارتباطی معرفی شده در نهج‌البلاغه را ضروری می‌نماید. ملاک نهایی اخلاق در نهج‌البلاغه، رضایت الهی است و رعایت حقوق افراد، مبنای عملیاتی اخلاق حرفه‌ای در آن است. تبیین حقوق و اجرای آن از وظایف حکومت در زمامداری حضرت علی (ع) محسوب می‌شود که به اقدام آن توصیه نموده‌اند. با بررسی مؤلفه‌های الگوی رفتار قاطعانه که پنج اصل پرهیز از برخورد هیجانی، صداقت، صراحت، احترام، آزادی می‌باشند، الگوی رفتاری سازنده و اثربخش در سیره عملی و نظری حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه را الگوی رفتاری قاطعیت می‌یابیم.

معارفی (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی مبانی اخلاق پزشکی در اندیشه شیعی، با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث نهج‌البلاغه»، با استفاده از روش تحلیل محتوا، مبانی اخلاق پزشکی در قرآن و نهج‌البلاغه را بررسی کرده است. نتایج به دست آمده، بیانگر آن است که دین اسلام و آیین شیعه به اخلاق و اخلاق پزشکی توجه داشته و تفاوت جوهری مبانی اخلاق پزشکی در اندیشه اسلامی و شیعی با سایر دیدگاه‌ها در نوع نگرش و جهان بینی است. اخلاق پزشکی در اندیشه اسلامی و شیعی بر پایه اصل توحید، مسئولیت و اختیار انسان و تأثیر افکار و رفتار اخلاقی انسان در نحوه زندگی اخروی او (تجسم عمل) پی‌ریزی شده است.

سروش (۱۳۷۹) در پژوهشی تحت عنوان «عدالت علی (ع) در نهج‌البلاغه»، به این نکته اشاره دارد که به دلیل تأثیر و نقش بیشتر دولت و سایر نهادهای جدید، نقش فرد کمتر از جامعه قدیم است و بر این اساس، اخلاق کارکرد جدیدی در حوزه اجتماعات پیدا کرده است که عدالت یک نمونه از آن است.

اگرچه همه این پژوهش‌ها به نحوی با اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه مرتبط‌اند، هیچ‌یک اصول اخلاقی در آن را تبیین نکرده‌اند؛ از این رو با عنایت به مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش، مسئله اساسی در پژوهش حاضر، بررسی اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه است که با استفاده از روش تحلیل اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای، این بررسی را انجام می‌دهد.

۲. اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه

اخلاق حرفه‌ای نیازمند یک نظام اخلاقی است. در جهان نظام‌های اخلاقی مختلفی وجود دارد. برخی از نظام‌های اخلاقی، فارغ از دین، و کاملاً سکولاریستی و لائیک‌اند؛ برخی دیگر از نظام‌های اخلاقی مبتنی بر وحی و تعالیم دینی‌اند. فرهنگ وابسته‌بودن اخلاق حرفه‌ای اقتضا می‌کند که نظام اخلاقی در فرهنگ اسلامی، صبغه اسلامی داشته باشد. اسلام، دینی است که یکی از رسالت‌های مهم آن، اخلاق است. اخلاق حرفه‌ای، به دلیل هویت اسلامی، ملاک نهایی اخلاق و اصول راهبردی آن را از قرآن و روایات کسب می‌کند و جدول فضایل و رذایل را نیز از آن‌ها استنباط می‌کند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۰۶). بنابراین، اخلاق حرفه‌ای باید در عین حرفه‌ای‌بودن، اسلامی باشد و مراد از اسلامی‌بودن، بهره‌مندی از منابع بسیار مهم قرآن و روایات است؛ البته این به معنای بی‌نیازی از سایر منابع نیست. در این راستا، در پژوهش حاضر در حد و وسع خود، اصول اخلاق حرفه‌ای را در کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه بررسی خواهیم کرد.

۱.۲ اصل احترام و تکریم دیگران (حرمت)

حرمت آدمی مهم‌ترین اصل اخلاقی و هدف عمده اخلاق‌ورزی است. انسان، صرف‌نظر از شغل، تعیین‌زبانی، قومی و فرهنگی، موجود محترمی است. هرگونه تصمیم و اقدامی که به نحوی با ارزش ذاتی انسان منافات دارد، غیراخلاقی است. استخفاف، توهین، استهزا، به مسخره‌گرفتن افراد، آرا و باورهای آن‌ها از این جمله‌اند. منابع انسانی را نمی‌توان صرفاً به ابزار کار فرو کاست. اخلاق حرفه‌ای چیزی جز رعایت حقوق مردم در کسب و کار نیست و مهم‌ترین حق مردم، احترام اصیل و نامشروط آن‌ها است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳: ۳۷۱-۳۷۲).

امام علی (ع) در فرمان معروف خود، خطاب به مالک اشتر، می‌نویسد:

مهربانی با مردم را پوشش دل خود قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش! مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر، همانند تو در آفرینش می‌باشند. (سید رضی، ۱۳۸۷: نامه ۵۳)

باید حفظ حرمت انسانی و شخصیت انسان‌ها محور برنامه‌های اقتصادی قرار گیرد. حضرت به مأمورانی که برای گرفتن مالیات به اطراف و اکناف کشور می‌فرستاد،

دستورالعمل‌هایی می‌داد که مملو از نکات اخلاقی و احترام به شخصیت و حفظ حرمت انسان‌ها بود. (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۵۱-۲۵۸)

با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد، حرکت کن. در سر راه هیچ مسلمانی را نترسان، یا با زور از زمین او نگذر و افزون‌تر از حقوق الهی از او مگیر ... سپس می‌گویی: ای بندگان خدا! مرا ولیّ خدا فرستاده، تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل بگیرم. آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او پردازید؟ اگر کسی گفت: نه! دیگر به او مراجعه نکن، و اگر کسی پاسخ داد: آری! همراهش برو، بدون آن‌که او را بترسانی، یا تهدید کنی، یا به کار مشکلی وادار سازی. (سید رضی، ۱۳۸۷: نامه ۲۵)

۲.۲ اصل آزادی

آزادی فردی، از مهم‌ترین اصول اخلاقی و از اساسی‌ترین رازها و نیازهای وجودی است. آدمیت با آزادی حاصل می‌شود و با ازدست‌دادن آزادی، انسانیت نیز از دست می‌رود. از نظر اسلام نیز آزادی یکی از اصیل‌ترین ارزش‌های نوع بشری به‌شمار می‌آید. قرآن و احادیث پیشوایان دین اسلام، انسان را موجودی مختار و انتخابگر معرفی کرده‌اند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

بنده دیگری مباش، چراکه خداوند تو را آزاد آفریده است. (سید رضی، ۱۳۸۷: نامه ۳۱)

عضویت در گروه حرفه‌ای، ممکن است باعث سلب آزادی فرد شود و از این رو بنگاه‌های کسب و کار باید در حفظ آزادی فردی دغدغه بیشتری داشته باشند. حقوقی چون حفظ حریم شخصی، حق انتخاب، حق اظهار نظر، به‌ویژه حق نقد و حق دفاع از منافع، از مسلم‌ترین حقوقی است که بر درخت تنومند آزادی به بار نشسته است. برای مثال، درباب آزادی بیان، امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند؛ شخصاً به کار آنان رسیدگی کن و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان، بدون اضطراب در سخن گفتن، با تو گفت‌وگو کند. (همان: نامه ۵۳)

در هر حرفه‌ای باید آزادی فرد حفظ شود و به این سبب است که امام با تأکید بر اصل اسلامی «لاکراه فی الدین»، مالک اشتر را به اجبار نکردن مردم به کاری که دوست ندارند، امر می‌کند:

بدان ای مالک! هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد رعیت به والی، بهتر از نیکوکاری به مردم، تخفیف مالیات و عدم اجبار به کاری که دوست ندارند، نیست. (همان)

و در جایی دیگر از همین نامه می‌فرماید:

به مردم نگو به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود. (همان)

آزادی بر دو قسم است: آزادی از و آزادی در. این تقسیم‌بندی به دلیل وجود دو نوع اسارت درونی و اسارت بیرونی است. گاهی آزادی فرد با نیروهای سلطه‌گر بیرونی تهدید می‌شود و گاهی فرد در درون خود به اسارت کشیده می‌شود. زندان‌های درونی، بدترین زندان‌ها است. به همین دلیل، اسپینوزا، آزادی را در برابر رفتار برخاسته از انگیزه‌های انفعالی قرار می‌دهد. حرفه‌ای‌ها باید توجه داشته باشند، چنانچه رفتارشان برخاسته از خشم و غضب و یا شهوت و سایر انفعالات نفسانی باشد، آزاد نیستند. کسی که از آزادی درونی بی‌بهره است، چگونه به کسب آزادی بیرونی همت خواهد کرد؟ (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳: ۳۶۹). در هر صورت، اسلام برای مردم، انواع آزادی چون آزادی طبیعی، فکری، سیاسی، مدنی و مذهبی را می‌خواهد. اگرچه جمله «ولاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً»، شاید همان‌گونه که اغلب شارحان نهج‌البلاغه تصریح کرده‌اند، به این معنی باشد که از هیچ‌کس در حد امکان احسانی را نپذیر که موجب سلب آزادیت شود و مجبور به شکرگزاری شوی، چراکه انسان عبید احسان است، ولی کلام امام علی (ع)، عام است و ظرفیت معنی بیشتری دارد و در این معنی نیز مخصص نیست؛ از این رو می‌تواند شامل انواع بردگی و آزادی باشد (قربانی لاهیجی، ۱۳۸۴: ۳۲۵).

۳.۲ اصل انصاف

«عدالت» در لغت به معنای استواء و استقامت است. ابن‌منظور هر آنچه را مایه اعتدال، توازن و استقامت می‌شود، عدالت می‌نامد. حضرت علی (ع) در تعریف عدالت می‌فرماید: «عدالت هر چیزی را به جای خودش می‌گذارد» (سید رضی، ۱۳۸۷: حکمت ۴۳۷)؛ به این معنا که حق هر کس و هر چیز به وی داده شود. برخی از مکاتب فلسفه اخلاق، عدالت را ملاک نهایی اخلاق می‌دانند و عده‌ای آن را نه ملاک نهایی، بلکه از اصول راهبردی اخلاق حرفه‌ای می‌انگارند (ایزدی‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

عدالت، یکی از مسائلی است که با اسلام حیات و زندگی را از سر گرفت و ارزش

فوق العاده یافت. اسلام به عدالت تنها توصیه نکرد و یا تنها به اجرای آن اکتفا نکرد، بلکه ارزش آن را بالاتر برد. بهتر است اهمیت این مطلب را از زبان امام علی (ع) در نهج البلاغه بشنویم (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۱۰-۱۱۲). فرد باهوش و نکته‌سنجی از امام علی (ع) می‌پرسد: عدالت شریف‌تر و بالاتر است یا بخشندگی؟ امام پاسخ می‌دهد: عدل از جود بالاتر است، به دو دلیل:

عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، درحالی‌که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت، تدبیر عمومی مردم است، درحالی‌که بخشش، گروه خاصی را شامل است؛ پس عدالت شریف‌تر و برتر است. (سید رضی، ۱۳۸۷: حکمت ۴۳۷)

امام علی (ع) بارها به رعایت انصاف و عدالت توصیه می‌فرماید و همان‌گونه که همه می‌دانیم، انصاف و عدالت خواهی از جمله بارزترین ویژگی‌های آن حضرت بود، به این دلیل که رشته پیوستگی حقیقی مردم در دادورزی است. عدالت است که باعث جلب اعتماد مردم می‌شود و فرد می‌تواند وظیفه خود را به‌درستی انجام دهد. اما دادورزی‌ای که امام علی (ع) از کارگزاران و کارکنان خود می‌خواهد درباره مردم رعایت کنند، تا آن‌جا است که به آنان فرمان می‌دهد حتی در نگاه کردن آن را پاس بدارند و چنان منصفانه رفتار کنند که هیچ بهره‌کش و ستمگری در آنان طمع نبندد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۸۱-۱۸۲). آن حضرت در عهدنامه محمد بن ابی‌بکر این‌گونه فرمان داده است:

در نگاه‌هایت، و در نیم‌نگاه و خیره‌شدن به مردم، به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند، و ناتوان‌ها از عدالت تو مأیوس نگردند. (سید رضی، ۱۳۸۷: نامه ۲۷)

۴.۲ اصل وفای به عهد

عهد و پیمان در نزد همه ملل (مسلمان و غیرمسلمان) محترم و مقدس است. در دین مقدس اسلام نیز به وفای به عهد و پیمان بسیار توجه شده است؛ زیرا اگر به آن توجه نشود، در اثر هرج و مرج و بی‌نظمی، اعتماد انسان‌ها به یکدیگر، سلب و زیربنای روابط اجتماعی سست، و زندگی مردم متلاشی می‌شود. (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۴۹)

در سیره علوی، وفای به عهد و پیمان جایگاه رفیعی دارد. از منظر ایشان، مسئله وفای به عهد، یک مسئله عمومی و انسانی است. در فرمان معروفی که به فرماندار خود - و به مقیاس امروز به استاندار خود - مالک اشتر می‌نویسد، یکی از دستورهایش این است که

مبادا با مردم عهد و پیمانی برقرار کنی و بعد هر جا که دیدی منفعت این است که عهد و پیمان را نقض کنی، آن را نقض کنی:

اگر با دشمن خودت پیمان بستنی، یا در پناه خود او را امان دادی (شرایط ذمه را قبول کردی)، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه برعهده گرفتی، امانتدار باش، و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ‌یک از واجبات الهی، همانند وفای به عهد نیست، که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر دارند. (سید رضی، ۱۳۸۷: نامه ۵۳)

و حضرت (ع) به جنبه عمومی و بشری عهد و پیمان استناد می‌کند که اگر بنا شود پیمان در میان مردم احترام نداشته باشد، دیگر سنگ روی سنگ نمی‌ایستد؛ چراکه این امری است که از وجدان انسان سرچشمه می‌گیرد و به عقیده خاصی مربوط نیست (علیزاده و ضمیری، ۱۳۸۱: ۲۳۸-۲۳۹).

همه ما در زندگی شخصی، شغلی و اجتماعی با یکدیگر پیمان‌های مختلفی می‌بندیم؛ عهدی شفاهی یا پیمانی مکتوب با خویش، پدر یا مادر، کارکنان، رقبا و سایر افراد. این اصل اخلاقی از قدیمی‌ترین اصولی است که انسان براساس آن تعامل خود را استوار ساخته است. در آموزه‌های اسلامی، نه تنها بر پای‌بندی به عهد و پیمان تأکید شده است، بلکه نقض آن، یک اصل نامشروط شمرده شده است؛ زیرا که پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

سه چیز است که خداوند به هیچ‌کس اجازه مخالفت با آن را نداده است: ادای امانت نسبت به هرکس، خواه بدکار یا نیکوکار باشد؛ وفای به عهد درباره هرکس، خواه نیکوکار یا بدکار باشد؛ نیکی به پدر و مادر، خواه نیکوکار یا بدکار باشند. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸ الف: ۲۱۲-۲۱۳)

در نهج‌البلاغه از وفای به پیمان، چون سپر نگهدارنده تعبیر شده است. (سید رضی، ۱۳۸۷: خطبه ۴۱)

۵.۲ اصل امانت

امانتداری فضیلتی است که همه انسان‌ها فراتر از علایق مذهبی بر آن تأکید دارند و خیانت در امانت را رذیلت و مذموم می‌انگارند. یکی از اصول و ارکان اخلاق اسلامی نیز امانتداری است که در دین مبین اسلام بر آن تأکید فراوانی شده است. آن حضرت (ع) امانتداری را به زیان انسان می‌داند:

یکی دیگر از وظایف الهی، ادای امانت است، آن کس که امانت‌ها را نپردازد، زیانکار است.
(همان: خطبه ۱۹۹)

امانت سه گونه است:

۱. امانت‌هایی که میان انسان و خداوند است؛ مانند وظایف و واجباتی که برای انسان تعیین شده است.

۲. امانت‌هایی که میان انسان‌ها است؛ مانند اموال یا اسراری که انسان‌ها میان یکدیگر به امانت می‌گذارند.

۳. امانت‌هایی که میان انسان و خودش وجود دارد؛ مانند علم، عمر، قدرت که اگرچه به خود شخص تعلق دارد، در دست او به‌مثابه امانت است.

اگرچه امانت دامنه گسترده‌ای دارد، اگر تنها بخواهیم به مواردی که در کسب و کار و به‌طور کلی در حرفه به‌عنوان امانت مطرح‌اند، اشاره کنیم، می‌توانیم از مواردی چون اموال، منابع انسانی، امکانات معنوی، اسرار دیگران، عفت انسان‌ها، محیط زیست و مهم‌تر از همه، خود کار و حرفه نام ببریم. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۶: ۲۲۰-۲۲۵)

تلقی امانت‌دارانه از کار و مسئولیت و انجام‌دادن امور با رویکرد امانت‌داری، اصلی اساسی در اخلاق است. اگر انسان کار و مسئولیت را امانت بداند، بی‌گمان حرمت آن را پاس می‌دارد و تلاش می‌کند به‌خوبی آن را پیش ببرد و بالنده سازد. حضرت امیرالمؤمنین در سخنان گهربار خود در *نهج‌البلاغه* بر امانت‌داری و آثار و تبعات آن تأکید فراوانی کرده است و در موارد زیادی از مقام‌ها و پست‌های سیاسی و حکومتی به‌عنوان امانت یاد می‌کند. در منطق این کتاب شریف، امام و حکمران، امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آن‌ها است (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۲۷-۱۳۲). برای مثال، امام در نامه‌ای به عامل آذربایجان می‌نویسد:

همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن توست ... در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری. (سید رضی، ۱۳۸۷: نامه ۵)

بدین‌سان، هرکس در هر مرتبه‌ای که باشد، امانت‌دار مردم است و باید اموال و امکانات و حقوق و حدود و حیثیت و شرافت آنان را پاسداری کند.

در نظر امام علی (ع)، بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به امت و تعدی به امانت است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۱۶-۲۱۸). آن حضرت (ع) در نامه ۲۶ *نهج‌البلاغه* به برخی از کارگزاران خود می‌نویسد:

هر که کار امانت (مسئولیت) را سبک بشمارد، و در آن خیانت روا دارد، و جان و دین خود را از خیانت پاک نکند، در این جهان در خواری و رسوایی را به روی خویش بگشاید و به آخرت خوارتر و رسواتر درآید. همانا بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به ملت است.

۶.۲ اصل صداقت

یکی از فضایل اخلاقی که در قوام و پایداری یک حرفه نقش مهمی دارد، صداقت در گفتار و عمل است. آن حضرت در خطبه ۱۰۸ می‌فرماید: «هر طلایه‌داری باید به پیروان خود راست بگوید». صداقت یکی از ارزش‌های اساسی و محوری در رفتار و اخلاق حرفه‌ای است و باعث اعتماد مردم به هم می‌شود. اهمیت آن به حدی است که امام علی (ع)، آن را نشانه ایمان می‌داند:

نشانه ایمان، آن است که راست بگویی آنگاه که تو را زیان رساند و دروغ نگویی زمانی که به تو سود رساند و آن‌که بیش از مقدار عمل سخن نگویی و چون از دیگران سخن گوئی، از خدا بترسی. (سید رضی، ۱۳۸۷: حکمت ۴۵۸)

۷.۲ اصل مسئولیت‌پذیری

کمال آدمی، به کمال مسئولیت‌پذیری او است. انسان هرچه در مسئولیت‌پذیری سستی ورزد، تباهی در کارش بیشتر خواهد بود، و هرچه مسئولیت‌پذیری بیشتری داشته باشد، به کمال بیشتری دست می‌یابد. امام علی (ع) حیطه مسئولیت‌پذیری را بسیار گسترده تعیین فرموده و از کارگزاران و کارکنان خود خواسته است که نسبت به کلیه کارها و اقدامات، و نیز روابط و مناسبات خود مسئولیت‌پذیر باشند. اصل مسئولیت‌پذیری، می‌آموزد که هرکس در هر مرتبه‌ای که باشد، درقبال تمامی امور و کارهای خود و مربوط به خود، مسئول و پاسخگو است. هیچ کارگزاری نمی‌تواند هرگونه که خواست با مردم رفتار کند و خود را نیز پاسخگو نداند. بر این مبنا، افراد حتی نسبت به نوع نگاه و بیان و رفتار خود مسئول‌اند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۸۶-۱۸۷):

آنچه نمی‌دانی مگو، بلکه همه آنچه را که می‌دانی نیز مگو، زیرا خداوند بزرگ بر اعضای بدنت چیزهایی را واجب کرده که از آنها در روز قیامت بر تو حجت آورد. (سید رضی، ۱۳۸۷: حکمت ۳۸۲)

امام (ع) در نخستین خطبه حکومتی اش درباره تعهد و مسئولیت خویش فرموده است:
آنچه می گویم، به عهده می گیرم و خود به آن پایبندم. (همان: خطبه ۱۶)

۸.۲ اصل نقادی و انتقادپذیری

انسان‌ها در برابر تصمیم‌ها و اقدام‌های خود دو گونه تلقی دارند: کسانی که با تکبر و عجب از آنچه انجام می دهند، به نحو نامشروط راضی‌اند و هرگز رفتار خود را قابل چون و چرا نمی‌دانند و کسانی که نقد و پرسش را حق دیگران می‌دانند و نقدپذیری و پاسخگویی را وظیفه اخلاقی خود تلقی می‌کنند. قوام کار گروهی و فعالیت سازمانی، به‌ویژه در سازمان‌های مردم‌نهاد، بر پاسخگویی افراد و سازمان است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸ الف: ۲۱۱). حضرت (ع) در تأکید بر سازمان‌های کارآمد و حکومت مردم‌سالار و برای این‌که اجحاف حقی واقع نشود، اقدامات بی‌نظیری انجام دادند؛ از جمله این‌که از مردم خواستند که درباره ایشان انتقاد کنند و در سایه این انتقادپذیری، یکی از ابتکارات امام، تأسیس خانه عدالت‌خواهی بود (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۶۱). البته در جامعه متکثر کنونی، نه تنها فرد باید انتقادپذیر باشد، بلکه لازم است نقاد و انتقادگر نیز باشد.

امام (ع) در بخش عمده‌ای از سخنان و نامه‌هایش نگاه انتقادی به جامعه و رفتار انسان دارد، از جمله نامه ۹ و ۱۰ به معاویه و انتقاد به آنچه که در جامعه رایج است و یا نامه ۷۸ به ابوموسی اشعری درباره داوری ساده‌لوحانه که از ایشان انتقاد می‌کند. در نهج‌البلاغه از انتقادگری و انتقادپذیری بسیار سخن رفته است، برای مثال، به فرزند خود سفارش می‌کند:

نصیحت خالصانه‌ات را نصیب دوستت کن، خواه خوب یا بد باشد. (سید رضی، ۱۳۸۷: نامه ۳۱)

و یا در حکمت ۳۵۳ می‌فرماید:

بزرگ‌ترین عیب، آن است که چیزی را که در خود داری بر دیگران عیب بشماری.

۹.۲ اصل قانون‌مداری

قانون عامل وحدت و انسجام در هر حرفه‌ای است، اما قانونمندبودن یک حرفه، زمانی اهمیت دارد که افراد در عمل، حتی آن‌جا که به نفع آنان نیست، به آن پای‌بند باشند. اگر قانون حاکم باشد، هیچ صاحب حقی از تباه‌شدن حقش نخواهد ترسید و هیچ زورمندی

هم در سایه زور و زر خود نخواهد توانست از چنگ قانون بگریزد. خود حضرت امیر در برابر اصرار کسانی که از او می‌خواستند خلافت را بپذیرد، روی این مسئله تأکید می‌کرد که حکومت او حکومت قانون است و به هیچ توصیه، افزون‌خواهی و امتیازطلبی گوش نخواهد داد. یکی از توصیه‌های مهم و کاربردی امام علی (ع) به کارگزارانش، بهره‌گیری معقول و قانونی از بیت‌المال است و بارها آنان را از خطرهای آفت‌های قانون‌شکنی درباره بیت‌المال بر حذر داشته‌اند (فرمehنی فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۵۴). نامه ۴۰ نهج‌البلاغه، نمونه‌ای از آن است:

... به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته، و آنچه را که می‌توانستی گرفته، و آنچه را که در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای، پس هرچه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است.

۱۰.۲ اصل مدارا و سعه صدر

انسان به دلیل ضعف نفس، در قبال به دوش گرفتن تکالیف فرو می‌شکند. این ویژگی مانع از آن است که آدمیان در برابر تکالیف دشوار تاب آورند. بر همین اساس، از آن‌جا که همواره امکان اشتباه و خطا وجود دارد، باید تا آن‌جا که ممکن است با مسامحه و مدارا با خطاهای مردم برخورد کرد (فرمehنی فراهانی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). با توجه به این ویژگی انسان، یکی از اصول اخلاقی در رفتار ارتباطی بین‌شخصی، ملایمت و نرمی در برابر دیگران است. سختی کار در محیط شغلی، وضعیت بحرانی، ناکامی‌ها و دشواری‌های معیشتی، افراد را به خشونت، سخت‌گیری، تندخویی و تنگ‌نظری می‌کشاند. امام علی (ع) بر اساس این اصل که سر سیاست به‌کاربردن رفق و مدارا است، به کارگزار حکومتی خود توصیه می‌کند: «و در حکومت مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی» (سید رضی، ۱۳۸۷: نامه ۶۹) (فرامرزی، ۱۳۸۸: ۲۱۲). بنابراین در روابط حرفه‌ای و کاری، اصل بر رفق و مدارا است، چنان‌که حضرت به کارگزار خود سفارش می‌کند:

در مشکلات از خدا یاری جوی، و درشتی را با اندک نرمی بیامیز. در آن‌جا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن، و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن. (سید رضی، ۱۳۸۷: نامه ۴۶)

با توجه به این سخن، مدارا یک اصل مشروط است و تا جایی که لازم است باید مدارا کرد و در جایی که جز با تندی و درشتی کار انجام نشود، باید چنین کرد.

سعه صدر به معنای تحمل و بردباری است. سعه صدر یکی از ارزش‌های اصیل اسلامی است. آن حضرت در ارزش بردباری می‌فرماید: «بردباری و درنگ هماهنگ‌اند و نتیجه آن‌ها بلندهمتی است» (همان: حکمت ۴۶۰). در هر حرفه‌ای، فرد باید بردباری را پیشه خود سازد تا بتواند امور را به خوبی پیش ببرد. امام علی (ع) در این رابطه به مالک سفارش می‌کند:

از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فراوان، آن‌ها را به ستوه نیاورد. (همان: نامه ۵۳)

با توجه به اهمیت بردباری در امور حرفه‌ای، حضرت (ع)، یکی از شروط گزینش کارگزاران خود را بردباربودن آنان قرار داده است.

۱۱.۲ اصل اعتدال

اسلام، دین تعادل، توازن و منطبق است و افراط و تفریط دو سر یک طیف هستند که هر دو نکوهش می‌شوند. خدای متعال، امت اسلامی را امتی متعادل و میانه‌رو معرفی می‌کند: «و کذلک جعلناکم امة وسطا»: شما را امت میانه‌ای قرار دادیم (بقره: ۱۴۳). امت میانه، یعنی امتی که در هیچ امری از امور افراط و تفریط نمی‌کند (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۶۷). یکی از اموری که حفظ تعادل و میانه‌روی در آن لازم و ضروری است، کار، حرفه و شغل آدمی است. یک شخص حرفه‌ای باید در همه کارهای خود در مسیر اعتدال حرکت کند و از هرگونه اسراف و تبذیر بپرهیزد. زیرا هرگونه افراط و تفریط سبب تزلزل فرد و جامعه، انحراف از حق و سیر به سوی تباهی می‌شود. برای مثال، در روابط با همکاران، یک فرد حرفه‌ای باید جانب اعتدال را رعایت کند. در این رابطه، امام علی (ع) می‌فرماید:

به‌زودی دو گروه نسبت به من هلاک می‌شوند: دوستی که افراط کند و به غیرحق کشانده شود، و دشمنی که در کینه‌توزی با من زیاده‌روی کند، به باطل درآید. بهترین مردم نسبت به من گروه میانه‌رو هستند. (سید رضی، ۱۳۸۷: خطبه ۱۲۷)

۱۲.۲ اصل فروتنی و مهربانی

اصل دیگری که باید افراد حرفه‌ای در هر مقام و موقعیتی به آن توجه کنند، اصل فروتنی و مهربانی است. طرفین رابطه، در هر مقام و موقعیتی که باشند، اساس ارتباطشان باید مبتنی بر

تساوی و نگاهی بدون کبر و غرور و پرهیز از تفاخر و برتری‌جویی باشد. شایان توجه است که حضرت، راه شکرگزاری بر نعمت برتری فرد بر افراد دیگر را توجه به افراد زیردست دانسته‌اند:

به افراد پایین‌تر از خود توجه داشته باش، که راه شکرگزاری تو در برتری است.
(همان: نامه ۶۹)

از این رو در روابط، نه تنها نباید برتری‌ها را به رخ کشید، بلکه باید فروتن و مهربان بود. حضرت (ع) در نامه‌ای به محمدبن‌ابی‌بکر، ضمن توصیف مؤمنان و پرهیزکاران به فروتنی و مهربانی، به پرهیز از تندخویی و بی‌اعتنایی به مردم زیردست و فروتنی و نرمی با آن‌ها امر می‌کنند (ماهینی، ۱۳۸۶: ۲۰۴-۲۰۵):

با مردم فروتن باش، نرم‌خو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش. (سید رضی،
۱۳۸۷: نامه ۲۷)

۱۳.۲ اصل رازداری

اغلب، رازداری با حفظ حریم خصوصی و با امانتداری اشتباه می‌شود. مراد از رازداری، این است که اگر به هر دلیلی به اسرار دست یافتیم، نباید آن را برای دیگران افشا کنیم. دستیابی به اسرار لزوماً از طریق ورود به حریم خصوصی نیست، بلکه افراد به طرق مختلف به اسرار دیگران وقوف می‌یابند. امروزه اطلاعات منشأ قدرت است و حفظ اطلاعات محرمانه و اسرار افراد یک اصل اخلاقی است. امام علی (ع) در باب ضرورت رازداری رهبر می‌فرماید:

از رعیت، آنان را که به دنبال عیوب دیگران، بیشتر جست‌وجو می‌کنند، از خود دور کن و دشمن بدار، زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان‌داشتن آن از همه سزاوارتر است؛ پس مبادا آنچه بر تو پنهان است، آشکار گردانی و آنچه هویدا است بپوشانی.
(همان: نامه ۵۳)

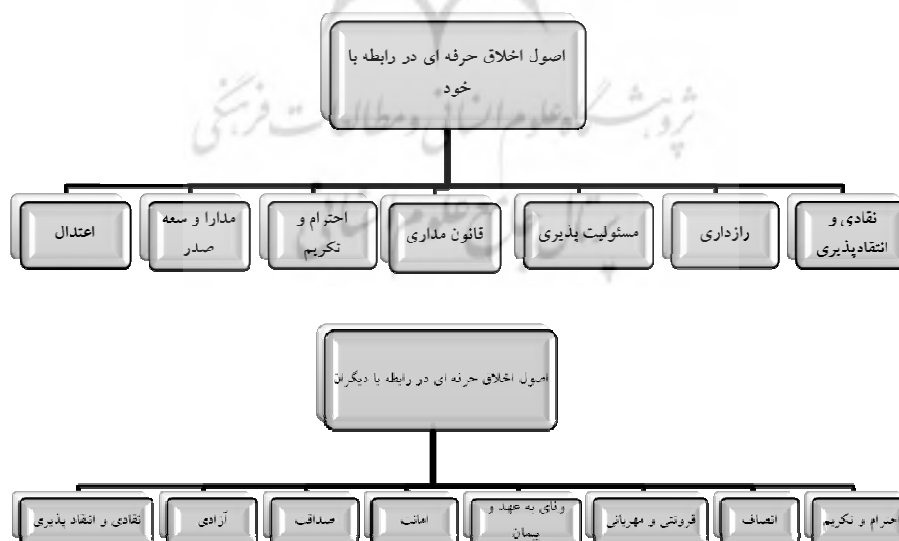
رازداری دارای دو مرتبه است: حفظ اسرار افراد به‌عنوان اشخاص حقیقی و حفظ اسرار سازمان به‌عنوان اشخاص حقوقی. البته این اصل اخلاقی نامشروط نیست، بلکه در شرایطی که رازداری موجب خسارت جبران‌ناپذیر شود، افشای اسرار، یک وظیفه اخلاقی خواهد بود؛ اما این وظیفه را نیز باید با دغدغه اخلاقی انجام داد. دغدغه اخلاقی سبب می‌شود فرد، اول این‌که از مخاطره‌آمیز بودن اسرار افراد یا سازمان مطمئن باشد و صرفاً به

گمان و ظن اکتفا نکند و دوم این که در شیوه افشای راز هم از اخلاقی بودن آن مطمئن باشد. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸ الف: ۲۱۰)

در مجموع، سیزده اصل را بررسی کردیم که شامل اصل احترام و تکریم، اصل آزادی، اصل انصاف، اصل وفای به عهد و پیمان، اصل امانت، اصل صداقت، اصل مسئولیت پذیری، اصل قانون مداری، اصل مدارا و سعه صدر، اصل نقادی و انتقاد پذیری، اصل اعتدال، اصل فروتنی و مهربانی و اصل رازداری است. اگرچه برخی از این اصول در همه نظام های اخلاقی مطرح است، گروه دیگری از این اصول به طور خاص در اسلام مطرح شده و بر آنها تأکید شده است که اصل بردباری و یا اصل اعتدال نمونه هایی از آن است. مجموعه اصول بررسی شده را از لحاظ محور و مخاطب می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. اصولی که مخاطب آنها دیگران و به عبارتی، همه انسان ها هستند؛
۲. اصولی که مربوط به خود شخص است و باید یک فرد حرفه ای آنها را در رابطه با خود رعایت کند و مدنظر داشته باشد.

البته شایان توجه است که این تقسیم بندی، بیشتر برای سهولت در مطالعه است؛ چراکه تفکیک کامل آنها امکان پذیر نیست و در موارد بسیاری، این محورها با یکدیگر تداخل دارند. برای مثال، فرد حرفه ای باید برخی از این اصول را هم در رابطه با خود و هم در رابطه با سایر انسان ها مدنظر قرار دهد، که از آن جمله اصل نقادی و انتقاد پذیری و اصل احترام و تکریم است. در نمودار زیر، این دسته بندی نشان داده شده است.



۳. نتیجه‌گیری

بی‌تردید، گرایش به ارزش‌های اخلاقی به‌طور فطری در نهاد آدمی وجود دارد و اولیای الهی از دیرباز انسان‌ها را به رفتار براساس ارزش‌های اخلاقی دعوت کرده‌اند. دین مبین اسلام نیز این نیاز فطری انسان را بی‌پاسخ نگذاشته است و در موارد و منابع بسیاری به آن پاسخ داده است. یکی از این منابع، سخنان نغمز امام علی (ع) در نهج‌البلاغه است که در آن به‌طور جامع و کامل به اخلاقیات توجه شده است.

یکی از شاخه‌های دانش اخلاق که به‌تازگی در ایران جایگاهی پیدا کرده است، حوزه اخلاق حرفه‌ای است که لازم است از لحاظ معرفتی به آن بیشتر توجه شود. از آن‌جا که آموزه‌های اسلام یکی از مهم‌ترین منابع شناخت اخلاق حرفه‌ای است، در پژوهش حاضر، اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه را، به‌عنوان یکی از کتاب‌های مهم اسلام، به‌طور کلی و شیعه به‌طور خاص بررسی کردیم.

نتایج نشان می‌دهد که امام علی (ع) همواره به بحث اخلاقیات و اصول اخلاقی توجه داشته‌اند و در موارد فراوانی کارگزاران و یاران خود را به‌طور اخص و تمامی انسان‌ها را در طول زمان به رعایت آنها فرمان داده‌اند. به‌طور کلی، اصول اخلاقی مطرح در نهج‌البلاغه، در چند دسته جای می‌گیرند، از جمله: اصل احترام و تکریم، اصل آزادی، اصل انصاف، اصل وفای به عهد و پیمان، اصل امانت، اصل صداقت، اصل مسئولیت‌پذیری، اصل قانون‌مداری، اصل مدارا و سعه صدر، اصل نقادی و انتقادپذیری، اصل اعتدال، اصل فروتنی و مهربانی، و اصل رازداری. در این بین، برخی از اصول، چون اصل احترام و امانت و وفای به عهد، از اصول نامشروط و برخی چون اصل رازداری و اصل مدارا و سعه صدر از اصول مشروط‌اند که یک فرد حرفه‌ای باید در روابط درون‌شخصی و برون‌شخصی خود، آن‌ها را مدنظر قرار دهد.

این موارد، اصولی هستند که باید برای تدوین کدنامه‌های اخلاقی، عهدنامه‌های اخلاقی و منشورهای اخلاقی در ایران و سایر جوامع اسلامی مدنظر قرار گیرند و مقدم بر آن، باید در بحث تربیت حرفه‌ای و آماده‌کردن افراد برای شغل و حرفه، این اصول را آموزش داد تا شاهد روابط کاری و حرفه‌ای سالم در محیط‌ها و سازمان‌ها در سطح جامعه باشیم.

منابع

الوانی، مهدی (۱۳۷۷ش). «ضرورت تدوین منشور اخلاقیات سازمانی»، نشریه تحوّل اداری، شماره ۱۹.

- انجمن کتابداری قم (۱۳۸۶ش). *اخلاق حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان*، قم: انتشارات کتابدار.
- ایزدی فرد، علی اکبر (۱۳۸۶ش). *عدالت، مبنای اخلاق حرفه‌ای قضاء در اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- تقی‌زاده، سلیمان (۱۳۸۸ش). «اصول اخلاق حرفه‌ای»، *ماهنامه صنعت و کارآفرینی*، شماره ۴۲.
- تولایی، روح‌الله (۱۳۸۸ش). «عوامل تأثیرگذار بر رفتار اخلاقی کارکنان در سازمان»، *دوماهنامه توسعه انسانی پلیس*، سال ششم، شماره ۲۵.
- جوزفسون، مایکل (۱۳۷۹ش). «اصول اخلاق حرفه‌ای»، ترجمه امیر پوریان‌سب، *مجله حسابدار*، شماره ۱۳۷.
- خنیفر، حسین و نفیسه زروندی (۱۳۸۸ش). «منشور اخلاق کاری و پایبندی به سازمان اخلاقی»، *فصلنامه مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت*، سال سوم، شماره ۸.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ش). *ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج‌البلاغه*، چاپ سوم، تهران: انتشارات دریا.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۹ش). «عدالت علی (ع) در نهج‌البلاغه»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۱۲.
- سید رضی (۱۳۸۷). *نهج‌البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، چاپ سوم، قم: انتشارات تا ظهور.
- صالح‌نیا، منیره و زینب اله توکلی (۱۳۸۸ش). «اخلاق سازمانی با تأکید بر منشور اخلاقی»، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، شماره‌های ۳ و ۴.
- علیزاده، حسن و مجتبی ضمیری (۱۳۸۱ش). *نظری دیگر در نهج‌البلاغه از منظر استاد مطهری*، انتشارات پژوهشکده نشر معارف.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۶الف). «بر سر گنج»، در *اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۶ب). «تعریف امانتداری و ابعاد آن در حرفه»، در *اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام*، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۸الف). *اخلاق سازمانی*، تهران: انتشارات سرآمد.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۳ش). *اخلاق حرفه‌ای*، چاپ دوم، قم: انتشارات مجنون.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۸ب). *درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سرآمد.
- فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۹۰ش). *تربیت در نهج‌البلاغه*، انتشارات آبیژ.
- قاسمی، هوشنگ (۱۳۹۰ش). «اخلاق حرفه‌ای ضرورت یا انتخاب»، *فصلنامه توسعه تأسیسات و تجهیزات*، شماره ۸۱.
- قربانی لاهیجی، زین‌العابدین (۱۳۸۴ش). *نخستین رساله اخلاق و تعلیم و تربیت اسلامی از امام علی (ع)*، چاپ سوم، انتشارات انصاریان.
- ماهینی، س. سلمان (۱۳۸۶ش). «مبانی و الگوهای اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه»، در *اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۸۶ اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴ش). سیری در نهج‌البلاغه، چاپ دوازدهم، انتشارات صدرا.
معارفی، غلامرضا (۱۳۸۸ش). «بررسی مبانی اخلاق پزشکی در اندیشه شیعی با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث نهج‌البلاغه»، دانشور پزشکی، سال شانزدهم، شماره ۸۳.

Davis, Michael (1999). *Ethic and the university*, first publish, Routledge.

